

واکاوی ضرورت شرعی وحدت در اندیشه نبوی از دیدگاه اهل سنت



davoodzarinpour@yahoo.com

■ داود زرین پور

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان

■ راضیه امینی

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

چکیده

اسلام، دین نورانیت و روشنایی، در هنگامه ظلمت و سیر قهقرایی بشریت به میدان آمد و با به ارمغان آوردن هدف و متدولوژی برتر آدمیان را به سوی خیر و خوشی رهنمون ساخت. بشری که پیش از آن تشنه خون همسایه‌اش بود، اکنون در انتظار دیدارش اشک شوق می‌افشانند. چرا که اسلام انس و الفت و وحدت را جایگزین خوف و وحشت و تفرقه گردانده بود. پیامبر اسلام (ص) به عنوان استاد و اسوه برتر در دین اسلام به مقوله وحدت و یکپارچگی اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و راهکارهای زیادی در راستای تحقق این هدف والا ارائه نموده‌اند. بیانات ایشان در کنار بیان اهمیت این مسئله حاکی از وجوب عمل به آن دارد و آن را به عنوان یک فریضه شرعی برای مسلمانان معرفی می‌نماید. این پژوهش در صدد است تا با ارائه بیانات نبوی، جمع بین اقوال علما، و تحلیل آنها به تبیین جایگاه شرعی وحدت در دین اسلام بپردازد. از نتایج پژوهش اینکه، وحدت اسلامی فریضه‌ای شرعی است و برای تحقق آن حتی از جان باید گذشت، همچنین همراهی با نظام اسلامی و نصیحت مسئولان لازمه وحدت اسلامی است.

کلیدواژه‌ها: پیامبر، حدیث، فریضه، وحدت اسلامی، تفرقه.



مقدمه

خداوند متعال پیامبر خود را با دین بر حق به میان مردم گسیل داشت، تا حقایق را بر ملا کند حتی اگر کافران و معاندان آن را نپسندند. پیامبر اسلام (ص) در جامعه‌ای مبعوث شد که مملو از کفر و شرک بوده و طغیان و عصیان، فضای آن را مسموم کرده بود، در این جامعه هرکسی ساز خود را می‌زد: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ قَرُونَ»^۱ «هر فرقه‌ای به آنچه نزدشان است، دلخوشند» و هیچ عقلانیت و تعهدی در میانشان مشاهده نمی‌شد: «إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ»^۲ «آنان جز مانند ستوران نیستند، بلکه گمراه‌ترند». جنگهای طولانی و بدون هیچ ایدئولوژی مشخص که صرفاً به خاطر تعصب قومی درمی‌گرفت، نسلهایشان را از بین می‌برد؛ اسلام با شعار وحدت و یکدلی آمد و تمام عوامل نابودگر جامعه آنها را زدود و آنها را امتی یگانه گرداند که ایدئولوژی مقدس و مشخصی یافتند: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُون»^۳ «و این آیین همه شماسست، آیین یگانه و من پروردگار شمایم، پس از من پروا دارید».

نکته مهم و قابل توجه در آیه پیشین این است که خداوند صفت امت واحده را برای امت مسلمان برگزیده نه وحدت امت را؛ و این صفت بیانگر این است که اصل و ذات این امت بر امت واحده بودن است، نه اینکه وحدت عارضی باشد. فهم عمیق این مطلب و تلاش در تحقق عملی آن در عرصه دین و تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تنها راه سعادت جامعه اسلامی و بازگشت به دوران طلایی آن است. برای فهم میزان اهمیت و حساسیت مبحث وحدت در جامعه اسلامی، باید در مکتب نبوی زانوی تلمذ بر زمین نهاد و از این سرچشمه پاک راه چاره جست. در این پژوهش سعی بر آن است که با روش عرض و تحلیل احادیث نبوی وارده در منابع اهل سنت و جمع بین اقوال علما، به تبیین جایگاه شرعی وحدت در دین مبین اسلام و اندیشه ناب و پاک نبوی پرداخته شود.

معنای وحدت

در ابتدا برای اینکه به شکل دقیق تری به مبحث وحدت در شریعت اسلام بپردازیم، لازم است معنای لغوی و اصطلاحی آن را با دقت بیان کنیم.

۱) در لغت

ابن فارس می‌گوید: (وَحَدَّ) واو، حاء و دال، دلالت بر انفراد دارد و از این ریشه کلمه «وحدة» مشتق شده است. کلمه

«واحد قبیلته» به معنای این است که در میان افراد قبیله کسی همتای او نیست.^۴ لفظ واحد برای منتفی بودن نظیر و همتا وضع شده است، وحید نیز بر وحدت بنا شده و به معنای جدایی از اصحاب و یاران می‌باشد. یکی دیگر از معانی لفظ واحد: پیشرو در علم و قدرت و ... می‌باشد. راغب اصفهانی نیز برای لفظ «الوحدة» معنای انفراد را ذکر می‌کند و می‌گوید: در واقع واحد چیزی است که تجزیه پذیر نمی‌باشد، اما این لفظ به تمام موجودات و اعداد نیز اطلاق می‌شود؛ بنابراین گفته‌اند: عشرة واحدة و مائة واحدة و ألف واحدة.^۵

زمخشری نیز ذیل آیه «لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ»^۶ «ما دیگر بر یک خوراک صبر نمی‌کنیم»، می‌نویسد: منظور قوم موسی از طعام واحد ترجیسن و بلدرچینی بود که در صحرا خداوند نصیبشان کرده بود. اگر سؤال شود اینها که دو نوع غذا هستند، پس چرا گفته شده: طعام واحد؟ باید گفت: منظور از واحد آن چیزی است که تغییر پیدا نمی‌کند، به گونه‌ای که اگر شخصی همیشه چندین نوع غذا را به صورت مداوم میل کند، گفته می‌شود: او فقط یک غذا می‌خورد.^۷

بنابراین لفظ وحدت در لغت دربر دارنده سه معنای مختلف می‌باشد: ۱. وحدت به معنای انفراد و بی‌همتا بودن ۲. وحدت به معنای کلی که قابل تجزیه نمی‌باشد ۳. وحدت به معنای نفی تغییر و اختلاف.

۲) در اصطلاح

وحدت در اصطلاح در جنبه‌های مختلف و متعددی کاربرد دارد، مانند اتحاد دولتها و ملتها که در ارتباطات سیاسی و اجتماعی نمود می‌یابد و اتحاد اقتصادی که در آن منابع و پتانسیلهای اقتصادی بین دولتهای دو یا چند کشور با سهولت بیشتری رد و بدل می‌شود. وجه مشترک تمام تعاریف، امتزاج و درهم تنیدگی اجزاء مختلف می‌باشد، به گونه‌ای که شیء واحدی تلقی می‌شود.

اما اصطلاح وحدت اسلامی، به معنای یکدلی و یکرنگی آنهاست که به لطف دین مبین اسلام که رسالتش ایجاد ارتباط بین قلبهای مؤمنان می‌باشد، حاصل شده است. این دین قدر مشترک میان تمام کسانی است که آن را به عنوان دستور زندگی خود پذیرفته‌اند و بر احکام آن گردن نهاده‌اند و به واسطه آن تمام تعصبات و ملی‌گرایها و رنگها و زبانها، رنگ باختند و فقط رنگ خدایی باقی ماند.

وحدت اسلامی بر مبنای شخصیت افراد جامعه اسلامی بنا شده

۴. معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۹۰.

۵. مفردات ألفاظ القرآن الکریم، ج ۲، ص ۴۹۴.

۶. بقره، ۶۱.

۷. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۳.

۱. مؤمنون، ۵۳.

۲. فرقان، ۴۴.

۳. مؤمنون، ۵۲.

است و سعی در تعمیق ارتباط میان هر یک از افراد امت اسلامی با دیگر افراد دارد. این تفاوت میان وحدت اسلامی با دیگر وحدتها و اتحادیه‌هاست؛ چرا که دیگر وحدتها براساس منافع مادی و انحصار ملیتها (مانند اتحادیه اروپا) شکل گرفته‌اند، اما اتحاد مسلمانان به دو جنبه مادی و معنوی توجه دارد.

معنای تقریب

تقریب در لغت به معنای نزدیک کردن می‌باشد. در اصطلاح، دعوتی است اصلاحی برای نزدیک کردن مذاهب با حفظ کیان طرفین^۸ و این دعوت بر پایه علم و خرد نهاده شده نه عواطف و احساسات زودگذر.^۹

تلاش اصحاب تقریب به این است که عقلهای متفکر و دانشمندان و همچنین شخصیت‌های دینی را که مورد توجه ویژه مردم‌اند، به سوی خود متوجه کنند و آنان را قانع سازند. مسلماً وقتی طرفین دریافتند که هردو منابع و مبانیشان یکی و مستندشان قرآن و سنت است و نیز هردو طرف راه اجتهاد را می‌پویند، تفاهم میان دو دسته ایجاد خواهد شد، بدون اینکه این کار موجب تقلید و پیروی یک طرف از طرف دیگر شود.

تفاوت وحدت با تقریب

وحدت دارای دو بعد است: بعد سیاسی و اجتماعی و بعد علمی و فرهنگی. مقصود از بعد اول این است که مسلمانان سراسر دنیا که دارای زبان، رنگ، قوم و نژاد مخصوص به خودشان هستند، به اسم مصلحت عالی‌ه اسلامی در صف واحد در برابر دشمنان اسلام قرار گیرند.^{۱۰} مقصود از بعد دوم، همان تقریب بین مذاهب اسلامی است، که تحقق این پدیده منوط به اجماع دانشمندان بزرگ مذاهب اسلامی که آگاه به آراء و نظرات همه مذاهب باشند و مطرح کردن مسائل اختلافی نظری در جوی سالم، آرام، صمیمی و به دور از تعصب برای دستیابی به حقایق و واقعیت‌های اسلامی در ابعاد علمی، کلامی، حدیثی، تفسیری، فقهی، اصولی و ... و نشر نتیجه بحثها و مناظرات برای پیروان مذاهب است.^{۱۱}

جایگاه وحدت در دین اسلام

نکته‌ای که احدی در اعتقاد و باور به آن شک ندارد، این است که خدا، پیامبر، دین، قرآن، قبله و هدف مسلمانان یکی است و باید آنها را مبنای اتحاد قرار دهند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»^{۱۲} «و همگی به رشته الهی در آویزید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید که دشمن یکدیگر بودید پس او میان دلهای شما الفت داد و به موهبت او باهم برادر شدید؛ و بر لبه یرنگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. خداوند این‌گونه آیات خود را برای شما بیان می‌کند تا هدایت یابید». این آیه متد وحدت و یکپارچگی و نفی تفرقه را به تصویر می‌کشد.

از عبدالله بن مسعود روایت شده است که گفت: «ای مردم پاییند جماعت و مطیع آن باشید؛ زیرا همان ریسمان استواری می‌باشد که خداوند متعال نسبت به تمسک آن امر فرموده است. آنچه از جماعت مسلمانان ناپسند می‌پندارید، بهتر از چیزی است که در تنهایی می‌پسندید».^{۱۳}

عبدالله بن عباس نیز سماک حنفی را به التزام همراهی با جماعت تشویق می‌نمود و می‌گفت: عامل نابودی امت‌های پیشین، تفرقه و چنددستگی بوده است. آیا نشنیده‌ای که خداوند متعال می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^{۱۴} «و همگی به رشته الهی در آویزید و پراکنده نشوید». خداوند متعال چنگ زدن به قرآن و تعالیم نبوی را واجب دانسته و از ما خواسته تا به هنگام اختلاف به آنها دست یازیم و از نظر اعتقادی و عملی به حکمشان تمکین بورزیم. التزام به این امر باعث وحدت کلمه و اجتماع عناصر مختلفی است که مصالح دنیا و آخرت را رقم می‌زنند و امت اسلامی را از تفرقه و جدایی حفظ می‌نماید.^{۱۵}

ابن عاشور می‌نویسد: «خداوند مسلمانان را به چیزی امر فرموده که عمل به آن سبب عاقبت به خیری در آخرت، و سعادت در دنیا می‌شود، و آن اجتماع بر دین اسلام و عدم تفرقه و اختلاف است، تا از این راه به قدرت دست یافته و در مسیر پیشرفت و ترقی حرکت کنند».^{۱۶}

چنگ زدن به ریسمان الهی عامل تحقق وحدت میان مسلمانان و سعادت دنیوی و اخروی می‌باشد. خداوند متعال وحدت و یکپارچگی میان مسلمانان را دوست دارد و بر یکدلی و یکرنگی تشویق می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي

۱۲. آل عمران، ۱۰۳.

۱۳. جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۷، ص ۷۵.

۱۴. آل عمران، ۱۰۳.

۱۵. الجامع لأحكام القرآن، ج ۴، ص ۱۶۴.

۱۶. التحریر و التنویر، ج ۴، ص ۳۱.

۸. آیین همبستگی، ص ۲۴.

۹. همان، ص ۲۵.

۱۰. همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، ص ۵۰۳.

۱۱. همان، ص ۵۰۲.





سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوصٌ»^{۱۷} «همانا خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او صف در صف جهاد می‌کنند، چنان که گویی بنیان آهنین‌اند».

طبری در تفسیر این آیه می‌گوید: مجاهدان در صفهایی منظم و استوار می‌جنگند، گویی که این صفها بسان دیوارهایی است که با دقت و ظرافت تمام بنا شده‌اند و هیچ خللی بر آن وارد نمی‌شود.^{۱۸} نسفی بر این باور است که منظور از صفهای مستحکم، وحدت کلمه مسلمانان در جنگ با دشمنان است، به گونه‌ای که در اتحاد و یکدلی به بنایی استوار و ثابت شباهت دارند.^{۱۹}

اصحاب پاک پیامبر(ص) اهمیت وحدت را در حفظ دولت و کیان اسلامی به درستی درک کردند، و در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز با اتحاد و یکدلی در کنار هم ایستادند و بر دشمنان قسم خورده اسلام پیروز شدند.^{۲۰}

دلایل وجوب وحدت در سنت نبوی

یکدلی اصحاب در تمام لحظات، به ویژه لحظات حساس و سرنوشت‌ساز تاریخی نشان از آموزش صحیح و کاملی دارد که یاران پاک پیامبر(ص) در محضر ایشان از آن بهره‌مند شده‌اند. در ادامه سعی شده با تتبع در احادیث نبوی، جایگاه شرعی این مقوله به درستی بیان شود.

۱) علاقه وافر پیامبر(ص) بر وحدت میان مسلمانان

از پیامبر اکرم(ص) روایت شده است که فرمودند: خداوند انجام سه عمل را برای شما می‌پسندد و سه عمل را ناپسند می‌شمارد. سه عمل مورد تأیید خداوند عبارتند از: اینکه او را عبادت کنید، به او شرک نورزید و به ریسمان الهی جنگ بزنید و از تفرقه بپرهیزید؛ اما سه عمل ناپسند عبارتند از: در پی گفته‌های بی‌فایده رفتن، طرح سؤال زیاد و بی‌مورد، و تلف کردن اموال.^{۲۱}

اخوت اسلامی در کنار دست یازیدن به ریسمان الهی نعمتی است که خداوند بزرگ آن را برای مسلمانان ارزانی داشته و این موهبت تنها نصیب کسانی می‌شود که خداوند آنان را دوست دارد. خداوند این لطف و موهبت را به مسلمانان یادآوری کرده و از دوران جاهلیتشان سخن می‌گوید که دشمنان قسم خورده یکدیگر بودند و همسایگان یهودی آنها از شکاف به وجود آمده در روابطشان، کمال استفاده را بردند و آتش جنگ میان

۱۷. صف، ۴.

۱۸. جامع البیان فی تأویل القرآن، ج ۲۳، ص ۳۵۷.

۱۹. تفسیر نسفی، ج ۴، ص ۳۷۰.

۲۰. الطریق الی جماعۃ المسلمین، ص ۱۰۵.

۲۱. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۴۰.

آنها را شعله‌ورتر ساختند، تا اینکه خداوند متعال با نعمت اسلام میان قلبهایشان انس و الفت ایجاد کرد و جز اسلام هیچ قدرتی نتوان و برنامه برای ایجاد یکدلی میان آنان نداشت. اما دین مبین اسلام با به ارمغان آوردن اخوت اسلامی و ریسمان الهی همه آنها را زیر پرچم اسلام سازماندهی کرد و باعث دوری دل و جان آنها از کینه‌های تاریخی و قبیله‌ای و تمایلات شخصی گردید.^{۲۲}

پیامبر اکرم(ص) در حدیثی می‌فرماید: خداوند شاداب گرداند شخصی را که سختم را بشنود، درک کند، به خاطر بسپارد و به دیگران نیز ابلاغ کند؛ چه بسیاری کسانانی که دانشی را به داناتر از خود انتقال می‌دهند و می‌آموزند. سه عمل است که به واسطه انجام آنها قلب هیچ مسلمانی کینه انجام دهنده آن را در خود جای نمی‌دهد: اخلاص در عمل، نصیحت کردن امام و سردمدار مسلمانان، و پایبندی به جماعت مسلمانان (و اجتناب از تفرقه)؛ زیرا پیروی از امام و نظر جمع مسلمانان دارای شمول و فراگیری است.^{۲۳}

این حدیث دربر دارنده تصویری از حقوق تمام مسلمانان می‌باشد. توضیح اینکه مردم به دودسته مسئولان و عامه مردم تقسیم می‌شوند، حق عامه مردم این است که مسئولان را نصیحت کنند و موارد لازم را به آنها تذکر دهند، حق مسئولان این است که پایبند به نظر جمع باشند؛ چرا که مصلحت دین و دنیای آنان در وحدت و چنگ زدن به ریسمان الهی است.

ابن عبدالبر در حاشیه این حدیث می‌نویسد که هرگاه امام مسلمانان از دنیا رفت و مردم بر امامت کسی اجماع نمودند، شایسته نیست کسی با نظر اکثریت مخالفت کند، مگر اینکه فسق و فساد وی بر آنها محرز شود. چون اختلاف و دودستگی و وجود دو حاکمیت در یک دیار نتیجه‌ای جز اختلاف و تنش و فساد دربر ندارد.^{۲۴}

حدیثه بن یمان روایت می‌کند: مردم از پیامبر اسلام(ص) درباره خیر سؤال می‌پرسیدند، اما من درباره شر از ایشان می‌پرسیدم، چون می‌ترسیدم مرا دربر گیرد. بنابراین به ایشان گفتم: ای رسول خدا! ما در دوران جاهلیت در شر و بدی زندگی می‌کردیم، تا اینکه خداوند متعال این خیر وافر را بر ما ارزانی داشت، آیا امکان دارد باری دیگر شر جایگزین خیر شود؟ ایشان فرمودند: آری، سؤال کردم: آیا پس از آن باز هم خیر به سراغمان می‌آید؟ فرمودند: آری، اما ناخالصیهایی در آن است. عرض کردم: از چه جهت ناخالصی دارد؟ فرمودند: عده‌ای بدون توجه به سنت من عمل می‌کنند که بعضی از کارهایشان

۲۲. فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۴۴۲.

۲۳. السنن، ج ۵، ص ۳۴.

۲۴. التمهید لما فی الموطأ من المعانی والأسانید، ج ۲۱، ص ۲۷۷.

درست و بعضی ناپسند است. پرسیدم: آیا پس از آن باز هم شر دامن گیرمان می‌شود؟ فرمودند: آری؛ دعوتگرانی هستند که بر دربهای جهنم ایستاده‌اند، هرکس آنها را اجابت کند، او را در آتش می‌افکنند. گفتیم: ای رسول خدا! آنها چه صفاتی دارند؟ فرمودند: آنها از جنس ما هستند و با زبان ما سخن می‌گویند. عرض کردم: ای رسول خدا! اگر این شر مرا دریافت چه کنم؟ فرمودند: پایبند به جماعت مسلمانان و امام آنان باش، عرض کردم: اگر آنها دارای جمع و امام نبودند چه کنم؟ فرمودند: از تمام گروهها دوری گزین حتی اگر (برای دوری از فتنه انحراف، در شرایط سخت معیشتی قرار گرفتی و) مجبور شدی از ریشه درختان تغذیه کنی، تا زمانی که اجلت فرا برسد.^{۲۵}

این حدیث شریف اشاره‌ای آشکار به لزوم وحدت میان مسلمانان و اجتناب از تفرقه و هر آنچه صفای اتحاد را از بین می‌برد، دارد. همچنین بنا به قول ابن حجر این حدیث تأکید بر حفظ حاکمیت مرکزی میان مسلمانان دارد و مسلمانان را از پیوستن به گروهکهای معاند حکومت اسلامی برحذر می‌دارد تا از افتادن در شبهات و شر حفظ شوند.^{۲۶}

از پیامبر اسلام (ص) روایت شده است که فرمودند: هر یک از شما که مشتاقی ورود به بهشت است، همراه و همگام و همدل با جماعت مسلمانان باشد؛ زیرا شیطان همراه با افراد تک‌رو و تنهاست و از دو نفر دور است.^{۲۷}

علما و اندیشمندان نیز تأکید ویژه‌ای نسبت به وحدت و یکپارچگی دارند؛ زیرا این امر زیبایی اسلام و توان آن را چندین برابر می‌کند و کفار و ملحدان را بر سر خشم می‌آورد و روحیه قدرت طلبی و اسلام ستیزی آنها را درهم می‌شکند.^{۲۸}

ابن مسعود توصیه و تصریح می‌کند: پایبند جماعت باشید، چون امت محمد (ص) بر ضلالت و گمراهی اجماع نمی‌کند.^{۲۹} بنابراین التزام به اجتماع مسلمانان ضریب خطا را به صفر می‌رساند و به این وسیله سعادت دنیا و آخرت جمع مسلمانان تضمین می‌گردد.

پیامبر اکرم (ص) در حدیثی دیگر می‌فرماید: انسان مسلمان در همه حال باید مطیع و فرمان‌بردار باشد، - حتی اگر حکم و فرمان با طبع او سازگار نباشد - اما اگر امر به انجام گناه و معصیت شد، دیگر مجالی برای اطاعت باقی نمی‌ماند.^{۳۰}

این حدیث نیز دربر دارنده حکم به وجوب وحدت و

یکپارچگی از جانب خدا و رسول پاکش (ص) و اجتناب از تفرقه در هر حالتی می‌باشد. در بعضی روایات و احادیث انسانهای جدایی طلب و تفرقه‌انداز به عذاب دردناک و زیان آشکار وعده داده شده‌اند و مرگ آنان، مرگ بر عادات جاهلی تلقی می‌شود.

عبدالله بن عباس روایت می‌کند که پیامبر اسلام (ص) فرمودند: هر یک از شما چیزی از امیر و حاکم مسلمانان دید و آن را ناپسند دانست، باید صبر پیشه کند (و از جماعت مسلمانان دوری نگزیند)؛ چرا که هرکس یک وجب از جماعت مسلمانان دوری گزیند و راه تفرقه در پیش گیرد و در همین حال فوت کند، بر مرگ جاهلی مرده است.^{۳۱}

جدایی از جماعت مسلمانان شامل هرگونه تلاش جهت سر باز زدن از بیعتی است که با حاکم مسلمانان داشته است - حتی اگر تلاش ناچیز و اندکی باشد - چرا که این امر باعث فساد و هیا هو در جامعه اسلامی می‌شود.

در حدیثی دیگر از آن حضرت روایت شده است که فرمودند: هرکس از اطاعت حاکم مسلمانان خارج شود و از جماعت مسلمانان دوری گزیند و راه تفرقه پیش گیرد و در همین حال از دنیا برود، به مرگ جاهلی مرده است و هرکس زیر پرچم گروهی بی‌هویت و بی‌هدف قرار گیرد و به خاطر تعصب به خشم آید و به خاطر آن بجنگد و کشته شود، از من نیست، و هر آن کس از امت من که به جنگ عده‌ای دیگر از سایر امت بپردازد و با خوب و بد آنها به یک صورت برخورد کند و از مؤمنان درنگردد و پایبند به عهد و پیمان خود نباشد، از من نیست.^{۳۲}

همان‌طور که از این حدیث برمی‌آید، تهدیدی آشکار و سخت است برای هرکسی که وحدت امت اسلامی را تحت الشعاع قرار دهد، به اعمال تفرقه‌آمیز خود ادامه داده و به عاقبت آن وقعی ننهد، و در مسیر تک‌روی خود از جفای به مؤمنان و خلف وعده فروگذار نکند، و همچنین «وعیدی است که شامل حال افرادی می‌شود که کورکورانه از گروهکهای مجهول و بی‌هدف پیروی می‌کنند و به عضویت در آنها تن می‌دهند. این وعید حتی شامل افرادی که بدون علم و آگاهی از هدف گروهی - حتی اگر آن گروه بر حق باشد - فقط به خاطر تعصب به آن بیبوندند و بجنگند نیز می‌شود».^{۳۳}

در حدیثی پیامبر اسلام (ص) فرمودند: درباره (سرنوشت و عاقبت) سه کس سؤال نپرس: کسی که از جماعت مسلمانان جدا شد و مشی تفرقه‌افکنی پیشه کرد، از امام خود سرپیچی

۳۱. صحیح البخاری، ج ۶، ص ۲۶۱۲.

۳۲. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۷۶.

۳۳. حاشیه‌ی السننی علی النسائی، ج ۷، ص ۱۲۳.

۲۵. صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۳۱۹.

۲۶. فتح الباری، ج ۱۳، ص ۳۷.

۲۷. المسند، ج ۱، ص ۱۸.

۲۸. فیض القدیر، ج ۳، ص ۷۸.

۲۹. شعب الإیمان، ج ۶، ص ۶۷.

۳۰. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۶۹.





کرد و در حالی که عصیانگر است دیده از جهان بریست.^{۳۴} در این حدیث شریف پیامبر اکرم(ص) از عذاب سختی سخن می‌گوید که انتظار گروهی را می‌کشد که در ایجاد تفرقه میان مؤمنان نقش داشته و باعث اختلاف و دودستگی شده‌اند. بنابراین پیامبر اسلام(ص) از آنها تبری می‌جوید؛ چون این عده بر سنت پیامبر عمل نکرده و از منش و روش ایشان تبعیت ننموده‌اند، به همین خاطر می‌فرماید: از سرنوشت و عاقبت این افراد می‌پرس. ابوذر غفاری روایت می‌کند: پیامبر اسلام(ص) از من پرسید: اگر در زمان امیرانی زندگی کنی که نماز را به تأخیر می‌اندازند چه می‌کنی؟ عرض کردم: شما چه دستوری می‌فرمایید؟ فرمودند: نماز را سر وقت ادا کن و اگر آنها را نیز دریافتی با آنها نیز نماز بخوان، این نماز برای تو به عنوان نافلة پذیرفته می‌شود.^{۳۵} آری! اهمیت وحدت و یکپارچگی مسلمانان به حدی است که پیامبر اسلام(ص) به ابوذر دستور می‌دهد که پس از ادای فریضه نماز در اول وقت، در جماعت مسلمانان نیز شرکت نماید، تا اینکه هم در فتنه تأخیر نماز گرفتار نیاید و هم باعث ایجاد تفرقه میان مسلمانان نشود.

۲) دستور پیامبر(ص) مبنی بر کشتن هرکسی که باعث تفرقه میان مسلمانان می‌شود
اوج شگفتی اصرار پیامبر(ص) در حفظ وحدت میان مسلمانان زمانی رخ می‌نماید که ایشان دستور قتل افراد مغل وحدت مسلمانان را صادر می‌کند. عبدالله بن مسعود از پیامبر اکرم(ص) روایت می‌کند که فرمودند: ریختن خون انسان مسلمان آن‌گاه که به وحدانیت خدا و رسالت من شهادت داد، جایز نیست، مگر اینکه جزء یکی از این سه گروه باشد: زناکار متاهل، قاتل و کسی که دین را ترک کرده و مرتد شده و در پی ایجاد شکاف و تفرقه میان مسلمانان است.^{۳۶}

علما در توضیح این حدیث بیان داشته‌اند که لفظ «المفارق للجماعة» صفت لفظ «التارک لدینه» می‌باشد. لازم به ذکر است افرادی که مرتد نشوند، اما در پی ایجاد تفرقه میان مسلمانان باشند، نیز از این گروه به شمار می‌آیند.^{۳۷} نویسنده کتاب *عون المعبود* در توضیح این حدیث این‌گونه می‌نویسد: «منظور پیامبر(ص) کسانی هستند که از جمع مسلمانان جدا شده و مرتد گشته‌اند».^{۳۸} پیامبر اکرم(ص) در حدیثی مبارک می‌فرماید: در آینده شرور

و فساد رخ خواهد داد. هرکسی را که در پی ایجاد تفرقه میان امت متحد اسلامی باشد، با شمشیر از پای درآورد و فرقی نمی‌کند که چه کسی باشد.^{۳۹} این دستور پیامبر(ص) در جهت بازدارندگی تفرقه‌جویان از ایجاد اختلاف میان مسلمانان است، به گونه‌ای که اگر راهی برای دفع شر آنان جز حذف فیزیکی نباشد، باید مسلمانان آنان را از میان بردارند.

۳) پایبندی به وحدت به معنای سکوت در برابر ظلم نیست

احادیثی که تا اینجا بیان شد، همه و همه دلالتی آشکار به لزوم وحدت و یکپارچگی میان مسلمانان و عدم تفرقه و دودستگی داشتند، اما نباید تصور کرد که منظور پیامبر(ص) این است که نخبگان و اندیشمندان و عامه مردم در برابر ظلم حاکمان سکوت کنند، بلکه باید با مشی اصلاح‌طلبانه اشتباهات حاکمان را به آنان گوشزد کرده و آنها از پیشنهادهای سازنده خود محروم نکنند، چون امر دین با نصیحت و تذکر پایدارتر می‌گردد؛ در عین حال، ناپسند دانستن اعمال ناشایست در دل خود، پایین‌ترین درجه ایمان است که باید لحاظ شود.

بنابراین فرمان‌برداری از حاکمان و مسئولان در راستای حفظ نظم و وحدت، فقط در امور اسلامی جایز است و اطاعت از احدی در معصیت خداوند جایز نمی‌باشد.

از امام علی روایت شده است که فرمودند: پیامبر(ص) تعدادی از اصحاب را برای یک عملیات نظامی ارسال نمودند و یکی از انصار را به فرماندهی آنان منصوب نمودند و به سپاهیان دستور دادند که از فرامین او پیروی کنند. در طی این مأموریت اسباب ناراحتی فرمانده ایجاد شد. او به سپاهیان روی کرد و گفت: مگر پیامبر(ص) به شما دستور نداد که از دستورات من پیروی کنید؟ گفتند: آری؛ پس به آنها دستور داد که هیزمی گرد آورند و آتشی برپا کنند و پس از آن دستور داد که خود را در آتش بیاندازند. تعدادی از آنها به سوی آتش پیش رفتند، اما عده‌ای دیگر مانع آنها شدند و گفتند: ما برای رهایی از آتش به رسول خدا(ص) پناه آوردیم (حال چگونه وارد آتش شویم؟) آن‌قدر ممانعت کردند، تا آتش خاموش شد و خشم فرمانده نیز آرام گرفت. این اتفاق را به پیامبر(ص) گزارش دادند، ایشان فرمودند: اگر سپاهیان در آتش وارد می‌شدند، تا قیامت از آن رهایی نمی‌یافتند؛ چون فرمان‌برداری از فرمانده در غیر فرمان به معصیت است.^{۴۰}

وحدت با شعاع و آرزو محقق نمی‌شود، بلکه باید همه به آن ایمان بیاورند و در راه تحقق آن ایثار و از خود گذشتگی نشان

۳۹. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۷۴۹.

۴۰. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۵۷۷.

۳۴. المسند، ج ۶، ص ۱۹.

۳۵. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۴۸.

۳۶. صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۰۲.

۳۷. فتح الباری، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۳۸. عون المعبود، ج ۱۲، ص ۵.



اصلی این امت می‌باشد، نه اینکه وحدت امری عارضی و جانبی تلقی شود و در وحدت امت تجلی یابد.

۳. مسلمانان به عنوان اجزای امت واحده اسلامی، در راه تحقق وحدت وظایفی به عهده دارند، که شامل حمایت از مسئولان و نصیحت آنان می‌باشد.

۴. اهمیت وحدت تا جایی است که برای حفظ آن باید با کاستیهای حاکمان ساخت (البته تا زمانی که معصیتی در کار نباشد).

۵. در راه تحقق وحدت باید گامی فراتر از شعار در عرصه عمل برداشت، تا اینکه وحدت دست‌آویز تفرقه‌انگیزان و مضحکه دشمنان نشود.

دهند، در این صورت جامعه اسلامی به خدا نزدیک‌تر و از نصرت و تأییدات الهی برخوردار می‌شود، اما اگر وحدت تنها در حد شعار باشد، چیزی جز مضحکه دشمنان و سودجویان و تفرقه‌انگیزان نخواهد بود و بی‌شک تلاش صادقانه عده‌ای که به راستی در پی تحقق وحدت اسلامی می‌باشند، بی‌نتیجه باقی خواهد ماند.

نتیجه‌گیری

۱. یکی از مهم‌ترین موهبت‌های الهی به جامعه اسلامی، ایجاد الفت و پیوند قلبی به یکدیگر است، که جایگزین تفرقه و روحیه خون‌خواری آنان شد.
۲. وصف امت پیامبر(ص) به امت واحده، بیانگر ذات و ماهیت

کتابنامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری: شرح صحیح بخاری، بیروت، دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر، التحریر و التنویر، تونس، دارسحنون، ۱۹۹۷م.
۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، التمهید لما فی الموطأ من المعانی و الأسانید، تحقیق: مصطفی بن احمد العلوی و محمد عبدالکبیر البکری، مغرب، وزارت عموم الأوقاف و الشؤون الإسلامية، ۱۳۸۷ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام هارون، دمشق، دارالفکر، ۱۹۷۹م.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت، دارابن‌کثیر، چاپ سوم، ۱۹۸۷م.
۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، آیین همبستگی، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۴ش.
۸. بیهقی، احمد بن حسین، شعب الإیمان، تحقیق: محمد السعید بسیونی زغلول، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۹. ترمذی، السنن، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۰. جناتی، محمدابراهیم، همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی، قم، انتشارات انصاریان، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن الکریم، دمشق، دارالقلم، بی‌تا.
۱۲. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت، داراحیاء

- التراث العربی، بی‌تا.
۱۳. سندی، نورالدین بن عبدالهادی، حاشیة السندی علی النسائی، تحقیق: عبدالفتاح أبوغدة، حلب، مکتب المطبوعات الإسلامية، چاپ دوم، ۱۹۸۶م.
۱۴. شیبانی، احمد بن محمد، المسند، قاهره، مؤسسه قرطبة، بی‌تا.
۱۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تأویل القرآن، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۲۰۰۰م.
۱۶. عظیم‌آبادی، محمد شمس‌الحق، عون المعبود: شرح سنن أبی‌داود، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۱۷. علی جابر، حسین بن محمد، الطریق إلی جماعه المسلمین، منصوره، دارالوقاء، ۱۹۸۷م.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تحقیق: هشام سمیر البخاری، ریاض، دار عالم الکتب، ۲۰۰۳م.
۱۹. قطب، سید، فی ظلال القرآن، قاهره، دارالشروق، چاپ سی و دوم، ۲۰۰۳م.
۲۰. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۱. مناوی، محمد عبدالرؤف، فیض التقدیر شرح الجامع الصغیر، مصر، المکتبه التجاریه الکبری، چاپ اول، ۱۳۵۶ق.
۲۲. نسفی، ابوالبرکات عبدالله بن احمد، تفسیر نسفی، تحقیق: مروان محمد الشعار، بیروت، دارالفنائس، ۲۰۰۵م.